



بررسی تطبیقی سماع موتی در اندیشه آلوسی و سلفیه

حمیدایماندار^۱، رضا ملازاده یامچی^۲

^۱ فارغ التحصل دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هستی شناسی حس گرایانه سلفیه یکی از مولفه های شکل دهنده ماهیت این جریان فکری است. در نوشتار حاضر بررسی تطبیقی اندیشه تفسیری سلفیان و ابو الثناء آلوسی به عنوان یکی از منتسبین به این مکتب با محوریت مبحث سماع موتی و با محوریت تفسیر روح المعانی مطمح نظر قرار گرفته است. در همین راستا، کیفیت تفهم مباحثی چون ماهیت روح، حیات برزخی و مساله عرضه اعمال امت بر پیامبر (ص) نیز به عنوان مقدمات و یا پیامدهای پذیرش این امر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد. تاکید آلوسی بر پاره ای گزاره های مبتنی بر عدم تجرد تام روح انسانی (مانند جسمانی پنداشتن روح)، تلقی نه چندان موسع از حیات برزخی و متابعت کم نظیر وی از ابن قیم سلفی در حوزه مورد بحث، نمودار همسویی وی با جریان سلفی گری است. آلوسی در حکم مساله سماع موتی (یعنی سماع فی الجملة اموات) با دیدگاه متقدمین سلفیه و در موضوع آن (یعنی تحدید موارد سماع موتی به مواردی معدود مانند سلام دادن به اموات و مانند آن) با سلفیان متاخر قرابت بیشتری دارد. وی در مساله عرضه اعمال امت بر پیامبر (ص) موافقتی اصولی را با سلفیان متقدم همچون ابن تیمیه و ابن کثیر رقم زده، هر چند با تکیه بر روحیه مناقشه گری و آزاد اندیشی نسبی خود، استبعاد برای عرضه اعمال امت بر پیامبر (ص) در حال ممات ایشان، بر اساس روایت عرضه اعمال قائل نیست.

کلید واژه ها: سماع موتی، حیات برزخی، عرضه اعمال، سلفیه، آلوسی

مقدمه

رویکرد منحصر به فرد سلفیان به مباحث ماورائی را باید در هستی شناسی خاص آنها پیجویی نمود؛ هستی شناسی حس گرایانه سلفیه یکی از مولفه های شکل دهنده ماهیت این جریان فکری است. نوع تلقی سلفیه از مباحثی چون سماع موتی، حیات برزخی، مغیبات و اموری مانند آن به عنوان بخش مهمی از مستمسکات این جریان در محکوم نمودن برخی مناسک عبادی قاطبه مسلمین همچون زیارت و توسل به صالحین قابل طرح است. در همین راستا سلفی ها با تفسیر خاصی که از مبانی عام توحیدی همچون توحید الوهی و ربوبی ارائه می دهند مساعی خود را در جهت انتساب عناوین شرک آمیز به اهل قبله تکمیل نموده اند. لذا نقد و مناقشه در نوع تبیین سلفیه از مباحثی چون سماع موتی و مبانی آن ضرورتی غیر قابل انکار است. استناد

سلفیان معاصر به آراء علماء اسلامی در اعصار مختلف و تلاش در جهت همسو جلوه دادن مشرب اعظم اهل سنت با تفکر سلفی، تبیین مولفه های فکری علماء بزرگ و تطبیق آن با شاخصه های سلفی گری را طلب می کند. ابوالثناء سید محمود آلوسی نویسنده تفسیر مشهور روح المعانی از جمله مفسران بزرگ معاصر است که به عنوان یکی از دانشمندان نزدیک به جریان سلفیه مطرح می شود (ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ عبدالحمید، ص ۲۹۴؛ البخاری، عبد الله، ص ۹۴) لذا ضرورت دارد رویکرد تفسیری وی در مباحث مذکور مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت میزان پابندی وی به اصول تفسیری سلفیه در این حوزه تبیین گردد. مرجع مورد نظر در استخراج آراء آلوسی تفسیر مشهور و گرانسنگ وی یعنی تفسیر روح المعانی به عنوان تفسیری با گرایش کلامی و ادبی می باشد.

۱. بررسی تطبیقی رویکرد آلوسی و سلفیه در تبیین

ماهیت روح

تلقی یک اندیشمند دینی از ماهیت روح در جوانب مختلف آن می تواند بر نوع استنباط وی از مباحثی چون سماع موتی و حیات برزخی موثر باشد، لذا شایسته است در یک بحث مقدماتی دیدگاه آلوسی در این باره مورد بررسی قرار گیرد.

آلوسی در تشریح ماهیت روح با تایید نظریه ابن قیم سلفی، روح را به عنوان جسمی نورانی، علوی، زنده، متحرک و مخالف با ماهیت اجسام محسوس معرفی می کند که همچون سریان آب در گل در جسم انسان حلول نموده است. وی در همین راستا نظریه مبتنی بر جسمانی نبودن روح و تعلق تدبیری و تصرفی آن بر بدن را نمی پذیرد. (آلوسی، ج ۸، ص ۱۴۷). البته باید گفت تمایز دیدگاه آلوسی با دیدگاه فلاسفه در ماهیت روح (در عین تلاقی هر دو نظریه در تمایز اجمالی روح و جسم در پاره ای جهات) می تواند تفسیر ایشان را از مسائلی چون سماع موتی و حیات برزخی تحت الشعاع قرار دهد. به علاوه باید گفت تشریح کیفیت حیات برزخی یا سماع موتی تنها بر محور روایات دور می زند، لیکن تمایزات نه چندان عمده در تعریف ماهیت روح نیز می تواند به مثابه پیشفرض های ناخواسته مفسر در تفسیر آیات و روایات مرتبط با این حوزه تلقی گردد.

آلوسی در مورد معدوم شدن روح پس از مرگ معتقد است: گروهی بر این باورند که روح می میرد زیرا روح همان نفس